

زمارت های
مولانا السقاء

ابوالفضل العباس
علیه السلام

حضرت آیت الله شیخ
حیدر تربتی کربلائی

زیارت‌های
مولانا السقاء
ابوالفضل العباس
علیه السلام

حضرت آیت الله حیدر تربتی کربلائی

سرشناسه: زیارت‌های مولانا السَّقاء ابوالفضل العبَّاس علیه
السَّلام

پدیدآورنده: حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی دام ظلّه

تایپ و ویرایش: محدّثه تربتی

طرح جلد: محدّثه تربتی

رایانامه: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه: Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۷۰۰۴۶۱۲

این کتاب شریف به شما شیعه اهل بیت اطهار علیهم السَّلام
اهدا شده است مشروط براین که کتاب را بخوانید، و معارفش را
تبلیغ کنید، و حبس ننمایید، و خرید و فروش آن شرعاً جایز
نیست.

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ
عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ
يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ
فَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شدند، مردگان نشمارید! بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند * آن‌ها به خاطر نعمت‌های فراوانی که خدا از فضل خود به ایشان داده، خوشنود هستند و به کسانی که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند [شهادت‌آینده] مسرورند و مژده می‌دهند؛ که نه ترسی بر آن‌ها است و نه غمی خواهند داشت * و از نعمت خدا و فضل او (نسبت به خودشان نیز) مسرورند و (می‌بینند که) خدا پاداش مؤمنان را نابود نمی‌کند (نه پاداش شهیدان و نه مجاهدانی که شهید نشدند).

بسم الله الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين وصلى الله على محمّد وآله الطّيبين
الطّاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى أبد الآبدين.
«سَلَامُ اللهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ
وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَ جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَالزَّكَايَا
الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَعْتَدِي وَ تَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

سیّد و سرورمان حضرت نفس الحسین و ظهره، أخ الحوراء زینب،
قمر منیر بنی هاشم، أبوالفضل العباس بن علیّ علیهم السّلام، از
بزرگان فقهاء اهل بیت اطهار و از اعظم علماء آنان بود، نافذ
البصيرة در دین، و ناسک بود و عابد و رِع مدار، میان دو چشم
بزرگوارش آثار سجده نمایان بود، و چهره مبارکش چون ماه
درخشان و تمام شب بدر تمام ...

از احادیث و زیاراتی که در این نوشتار آورده ایم، عصمت ذاتیه

حضرتش به روشنی معلوم است.

این نوشته که مجموعه‌ای از زیارت‌های حضرت سقّای تشنه لب از لسان اهل بیت اطهار علیهم السلام، و پیش‌تر احادیثی درباره برخی از مقامات عالیات آن حضرت است، هدیه‌ای است از سوی گنه‌کار به آستان حضرتش و خدمتی کوچک به زائران گرامش، از ذات احدیت به کرمش خواستار قبول، و از روح مطهر آن حضرت خواستار معرفت هرچه بیشتر و قبول شفاعتش هستم.

سلام الله و فرشتگان مقرب و انبیاء گرامش و همه بندگان صالح الله، بر روح طیب، جسد مطهر، مرقد مقدّس و حرم شریفش باد، و لعنت‌های پیایی الله و انبیاء و ائمه و فرشتگان و همه خلق بر دشمنانش، و بر جاهلان به حقش، و بر آنان که حرمتش ریختند.

قمر منیر بنی ہاشم

در کلام اہل بیت اطہار علیہم السلام

حدیث رسول الله صلی الله علیه وآله

عباس در قیامت از جمله سادات شهدای امت است

ابن عباس گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله نشسته بود که حسن آمد و چون او را دید گریست و سپس فرمود: نزد من بیا نزد من بیا پسر! و او را به خود نزدیک کرد تا بر روی زانوی راست خود نشاند. سپس حسین آمد و چون او را دید گریست و گفت: بیا بیا ای پسر! و او را هم نزدیک کرد تا روی زانوی چپ خود نشاند. سپس فاطمه آمد و او را هم به خود نزدیک کرد و برابر خود نشاند. و سپس امیر المؤمنین آمد، چون او را دید گریست و نزدیک خود طلبید و سمت راست خود نشاند. اصحابش گفتند: ای رسول الله! هر کدام را دیدی گریستی؟ در بین این ها کسی نبود که از دیدنش شاد شوی؟ فرمود:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ، وَاصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ، إِنِّي وَ إِيَّاهُمْ لِأَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ مَا عَلَى وَجْهِ

الْأَرْضِ نَسَمَةً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، أَمَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ أَخِي وَشَقِيقِي، ... وَأَمَّا الْحُسَيْنُ فَهُوَ
مِنِّي، وَهُوَ ابْنِي وَوَلَدِي، وَخَيْرُ الْخَلْقِ بَعْدَ أَبِيهِ وَأَخِيهِ، وَ
هُوَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ خَلِيفَةُ رَبِّ
الْعَالَمِينَ، وَغِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَكَهْفُ الْمُسْتَجِيرِينَ، (وَ)
حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، وَ هَذَا (هُوَ) سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ
الْجَنَّةِ، وَبَابُ نَجَاةِ الْأُمَّةِ، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي، مَنْ
تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي، وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي، وَإِنِّي لَمَّا رَأَيْتُهُ
تَذَكَّرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهِ، كَأَنِّي بِهِ قَدْ اسْتَجَارَ بِحَرَمِي وَ
قَبْرِي (قُرْبِي) فَلَا يُجَارُ، فَأَضْمُهُ فِي مَنَامِهِ إِلَى صَدْرِي، وَأَمْرُهُ
بِالرَّحْلَةِ عَنْ دَارِ هِجْرَتِي، وَأُبَشِّرُهُ بِالشَّهَادَةِ، فَيَرْتَحِلُ عَنْهَا
إِلَى أَرْضِ مَقْتَلِهِ، وَ مَوْضِعِ مَصْرَعِهِ، أَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ، وَ
قَتْلِ وَ فَنَاءٍ، تَنْصُرُهُ عِصَابَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَنْتُمْ فَوَلِّكُمْ

مِنْ سَادَاتِ (سَادَةِ) شُهَدَاءِ اَنْتُمْمَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
 كَأَنِّي اَنْظُرُ اِلَيْهِ وَقَدْ رُمِيَ بِسَهْمٍ فَخَرَّ (عَنْ فَرَسِهِ) صَرِيعاً، ثُمَّ
 يُذْبَحُ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبُشُ مَظْلُوماً.

به حقّ آن که مرا به نبوّت برانگیخته و بر همه مردم برگزیده، من و
 این ها گرامی ترین آفریدگان نزد خدا هستیم، و روی زمین کسی
 نیست که نزد من از این ها محبوب تر باشد. اما علی بن ابی طالب
 که برادر من، و ... و امّا حسین از من است، و فرزند من است، و
 بهترین آفریدگان است، پس از برادرش، امام مسلمانان و سرور
 مؤمنان و خلیفه خداوند عالمیان است، و دادرش دادخواهان، و
 پناه امان جویان، و حجّت خدا بر همه خلق است، و اوست سیّد
 جوانان اهل بهشت، و باب نجات است، امرش امر من است، و
 طاعتش طاعت من، هر که او را پیروی کند از من است، و هر که
 او را نافرمانی کند از من نیست، و هنگامی که او را دیدم بیادم
 آمد که پس از من، چه بر سرش می آید، گویا می نگرم که به حرم

من و قرب من پناهنده شده، و او را پناه ندهند، در خواب او را آغوش گیرم، و بر سینه بچسبانم، و به او دستور دهم از خانه هجرتم کوچ کند و او را به شهادت بشارت دهم، از آن جا کوچ کند به زمینی که قتل گاه اوست؛ زمین کرب و بلا و قتل و رنج، گروهی از مسلمانان یاریش کنند که در روز قیامت سروران شهدای امت هستند، گویا او را می بینم که تیری خورده و از اسبش به خاک افتاده و چون گوسفند سرش را مظلومانه بریده اند.

سپس رسول الله صلی الله علیه و آله گریست و کسانی که گردش بودند گریستند و صدای شیون آن ها بلند شد و آن حضرت برخاست و می فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْكُو إِلَيْكَ مَا يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِي بَعْدِي».

خدایا! به توشکایت کنم از آنچه پس از من به خاندانم برسد. سپس وارد منزل خود شد!

حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام

عبّاس از شهدای بی مانند اهل بیت حسین

و جوان مردی شجاع

بنابر فرمایش مولانا امیرالمؤمنین علیه السلام، شهداء از بنی هاشم (سادات) در کربلاء، هیچ یک در زیر آسمان و بر روی زمین «مثل و مانند» نداشتند، ندارند و نخواهند داشت.

امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمود:

«وَأَنْتَ يَا حُسَيْنُ! ... سَيُقْتَلُ مَعَكَ سَبْعَةُ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ تَحْتَ أَدِيمِ السَّمَاءِ مَا لَهُمْ شَبِهُونَ، ...»^۳.

و تو ای حسین! ... ۱۷ تن از اهل بیت تو که زیر آسمان شبیه ندارند، همراه با تو کشته می شوند، ...

هم چنین امیرالمؤمنین علیه السلام به برادر خود عقیل که در میان قریش، آگاه ترین فرد نسبت به نسب ها بود فرمودند:

«أُطْلِبُ لِي إِمْرَأَةً وَلَدَتْهَا شُجْعَانُ الْعَرَبِ حَتَّى تَلِدَ لِي وَلَدًا

شُجاعاً».^۴

برایم زنی بجوی که از پدران شجاعی از عرب به دنیا آمده باشد تا
برایم پسری شجاع به دنیا آورد.

و در منبع دیگری چنین آمده است:

«أُنْظِرْ إِلَيَّ امْرَأَةً قَدْ وَلَدَتْهَا الْفُحُولُ مِنَ الْعَرَبِ لِأَتَزَوَّجَهَا فَتَلِدَ
لِي غُلَامًا فَارِسًا».^۵

قومی شجاع انتخاب کن که از قبیله آنان همسری اختیار کنم تا
آن زن، فرزندی شجاع برایم بزیاید.

عقیل که نسابه قریش بود، ام البنین کلابیه علیها السلام را که
پدرانش از شجاعان عرب بودند، انتخاب نمود و امیرالمؤمنین
علیه السلام با او ازدواج کرد و از او حضرت عباس و برادرانش
علیهم السلام متولد شدند.

حدیث امیرالمؤمنین و فاطمة الزهراء علیهما السلام

دو دست بریده عباس و سیله شفاعت در قیامت

نقل شده، چون روز قیامت فرا برسد و امیر اهل محشر سخت شود، رسول الله صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین را سوی فاطمه علیهما السلام بفرستد تا در مقام شفاعت حاضر گردد، و به او بگوید:

«يَا فَاطِمَةُ! مَا عِنْدَكَ مِنْ أَسْبَابِ الشَّفَاعَةِ؟ وَمَا ادَّخَرْتَ لِأَجْلِ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي فِيهِ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ؟!».

ای فاطمه! از اسباب شفاعت چه دارید؟ و برای امروزی که (بزرگ‌ترین ترس و بیم و فزع اکبر) در آن است چه کنار نهاده‌ای؟

فاطمه علیها السلام بفرماید:

«يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، كَفَانَا لِأَجْلِ هَذَا الْمَقَامِ الْيَدَانِ الْمَقْطُوعَتَانِ مِنْ ابْنِي الْعَبَّاسِ».^۶

ای امیرالمؤمنین! برای ما در مقام شفاعت، دو دست جدا شده پسر عباس کافی است.

حدیث امام حسین علیه السلام

عبّاس، نفس حسین

عصر روز تاسوعا، چون دشمنان، خیمه های اهل بیت علیهم السلام را محاصره کردند، حضرت عبّاس علیه السلام به امام [حسین علیه السلام] چنین گفت: ای برادرم! مردم [لشکر دشمن] به سوی شما آمده اند. امام برخاسته و فرمود:

«يَا عَبَّاسُ! اِرْكَبْ بِنَفْسِي اَنْتَ يَا اَخِي، حَتَّى تَلْقَاهُمْ وَتَقُولَ لَهُمْ: مَا لَكُمْ؟ وَمَا بَدَا لَكُمْ؟ وَتَسْأَلَهُمْ عَمَّا جَاءَ بِهِمْ».

ای عبّاس! جانم! برادرم! سوار بر اسب شو (به سوی آنان برو) تا ایشان را ببینی و به آنان بگویی: شما را چه شده است؟ و چه قصدی دارید؟ و از آنان در مورد آن چه برایشان اتفاق افتاده پرس. عبّاس علیه السلام در میان ۲۰ اسب سوار که از جمله آنان زهیر بن القین و حبیب بن مظاهر بودند، نزد آنان آمدند ... ۷

حدیث امام حسین، عباس و برادرانشان علیهم السلام

برائت عباس و برادرانش از شمر و ...

(عاشوراء) روز کربلاء که شد، شمر لعنة الله علیه به حضرت عباس و برادرانش علیهم السلام گفت: کجایند خواهر زادگانم؟ کجایند عباس و برادرانش؟ پس آنان روی برگردانده و پاسخش ندادند. امام حسین علیه السلام به برادران خود فرمود:

«أَجِيبُوهُ وَإِنْ (وَلَوْ) كَانَ فَاسِقًا فَإِنَّهُ بَعْضُ أَخْوَالِكُمْ».

پاسخش را بدهید هرچند که فاسق است، زیرا او از دایی های شما (از قبیله شما) می باشد.

به او گفتند: چه کار داری؟ و چه می خواهی؟ شمر گفت: ای خواهر زادگانم به سوی من بیرون آیید شما در امان هستید و خودتان را با برادران (امام حسین علیه السلام) به کشتن ندهید، و در طاعت از یزید باشید. عباس فرمود:

«لَعَنَكَ اللَّهُ وَلَعَنَ أَمَانَكَ، أَتُؤْمِنُنَا وَابْنُ رَسُولِ اللَّهِ لَا أَمَانَ

لَهُ؟! وَتَأْمُرُنَا أَنْ نَدْخُلَ فِي طَاعَةِ اللُّعْنَاءِ وَأَوْلَادِ اللُّعْنَاءِ؟!»^۸.
لعنت الله برتو و بر امان تو باد، آيا تو ما را امان مي دهی و فرزند
رسول الله امان ندارد؟! و ما را امر می کنی تا در طاعت لعنت شدگان
و فرزندان لعنت شدگان داخل شویم؟!!

برادران او را سب کردند و به او گفتند:

«قَبِحَتْ وَقَبِيحَ مَا جِئْتَ بِهِ، أَنْتَ رُكُّ سَيِّدِنَا وَأَخَانَا وَنَخْرُجُ إِلَى
أَمَانِكَ؟!»^۹.

خودت و آن چه آورده ای زشت و پست باد، آيا سرورمان و برادرمان
را رها کنیم و به سوی امان تو روانه شویم؟!!

حدیث امام حسین و اصحاب علیهم السلام

عباس و برادرانش، از بهترین اهل بیت حسین

علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام فرماید:

نزدیکی های شب عاشوراء، امام حسین علیه السلام یاران خود را گرد آورد، من در آن حال با این که بیمار بودم، نزدیک شدم تا ببینم پدرم به آنان چه می گوید، شنیدم رو به اصحاب کرد و فرمود:

«أُثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ، ... أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبَرَّ وَأَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَجَزَاكُمُ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا، أَلَا وَإِنِّي لَأُظُنُّ يَوْمًا لَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ، أَلَا وَإِنِّي قَدْ أَذِنْتُ لَكُمْ فَاَنْطَلِقُوا جَمِيعًا فِي حِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ حَرَجٌ مِنِّي وَلَا ذِمَامٌ، هَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا». فَقَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ وَأَبْنَاؤُهُ وَبَنُو أَخِيهِ وَابْنَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ: «لَمْ نَفْعَلْ ذَلِكَ، لِنَبْقَى بَعْدَكَ؟» لَا أَرَانَا اللَّهَ ذَلِكَ أَبَدًا. بَدَأَهُمْ بِهَذَا الْقَوْلِ الْعَبَّاسُ

بُنْ عَلِيٍّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّبَعَتْهُ الْجَمَاعَةُ عَلَيْهِ فَتَكَلَّمُوا
بِمِثْلِهِ وَ نَحْوِهِ ... وَ تَكَلَّمَ جَمَاعَةُ أَصْحَابِهِ بِكَلَامٍ يَشْبَهُ
بَعْضُهُ بَعْضًا فِي وَجْهِ وَاحِدٍ فَجَزَاهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
خَيْرًا وَانْصَرَفَ إِلَى مِصْرِهِ»^{۱۰}

سپاس کنم خدای را به بهترین سپاس‌ها، و حمد کنم او را در
خوشی و سختی، بار خدایا من سپاس گویم تو را براین که ما را به
نبوت گرامی داشتی و قرآن را به ما آموختی و ما را دانای دین
ساختی، و گوش‌های شنوا و دیده‌های بینا و دل‌های آگاه به ما
ارزانی داشتی، پس ما را از سپاسگزاران قرار ده.

اما بعد؛ همانا من یارانی باوفاتراز یاران خود سراغ ندارم، و بهتراز
ایشان نمی‌دانم، و خاندانی نیکوکارتر و مهربان‌تر از خاندان خود
ندیده‌ام، خدایتان از جانب من پاداش نیکو دهد. آگاه باشید من
دیگرگمان یاری کردن از این مردم ندارم، آگاه باشید، من به همه
شما رخصت رفتن دادم، همگی آزادانه بروید و بیعتی از من برگردن

شما نیست، و این شب که شما را فرا گرفته فرصتی قرار داده، آن را
شترخویش کنید.

برادران آن حضرت و پسرانش و برادرزادگانش و پسران عبد الله بن
جعفر گفتند: چرا چنین کنیم؟! برای این که پس از توزنده باشیم؟
هرگز خداوند آن روز را برای ما پیش نیاورد. و نخستین کس که این
سخن را گفت: عباس بن علی علیهما السلام بود و دیگران نیز از او
پیروی کرده؛ چنین سخنانی گفتند، ... و گروهی از یاران
آن حضرت، مانند این سخنان که همه نشانه پایداری و فداکاری
آنان بود، به عرض رساندند، پس حسین علیه السلام از همه
سپاسگزاری فرمود و پاداش نیکشان را خواست، و به خیمه خود
بازگشت.

حدیث امام حسین علیه السلام بر بالین حضرت سقا

«تَعْدَيْتُمْ يَا شَرَّ قَوْمٍ (بِفَعْلِكُمْ) بِبَغْيِكُمْ»

«وَخَالَفْتُمْ دِينَ (قَوْلَ) النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ»

ای شروترین مردم! با کار زشتی که کردید، تجاوز نمودید

و با دین (وقول) پیامبر خدا محمد مخالفت کردید

«أَمَا كَانَ خَيْرُ الرُّسُلِ وَصَاكُمُ بِنَا؟»

«أَمَا نَحْنُ مِنْ نَسْلِ النَّبِيِّ الْمُسَدِّدِ؟»

آیا مگر بهترین فرستادگان الهی سفارش ما را به شما نکرد؟

آیا مگر ما از نسل پیغمبر تأیید شده نیستیم؟

«أَمَا كَانَتْ الزَّهْرَاءُ أُمِّي دُونَكُمْ؟»

«أَمَا كَانَ مِنْ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ أَحْمَدُ؟»

مگر نه این که زهرا مادر من است نه مادر شما؟

آیا مگر احمد مختار، برترین آفریدگان نبود؟

«لُعِنْتُمْ وَأُخْزِيتُمْ بِمَا قَدْ جَنَيْتُمْ»

«فَسَوْفَ تُلَاقُوا حَرَّ نَارٍ تَوَقَّدِ».

با جنایتی که کردید ملعون و خوار گشتید
پس به زودی حرارت آتش افروخته را ملاقات می کنید.

حضرت سقا کمر (و ستون فقرات) حسین

امام حسین علیه السلام بعد از شهادت حضرت سقا فرمود:
«الآن انكسر ظهري، وقلْتُ حيلتي، وسميت بي عدوي».
اکنون کمرم شکست. چاره‌ام به کاستی رفت، و دشمن من زبان به
سرزنش گشود.

«وا أخاه! وا عبّاساه! الآن انكسر ظهري، وقلْتُ حيلتي.
جزاك الله عني يا أخي يا أبا الفضل العباس (خيراً)».
ای وای برادرم! وای عبّاس! اکنون کمرم شکست، و چاره‌ام کم
شد. ای برادرم ای ابا الفضل العباس، الله از جانب من تورا پاداش
(خیر) دهد.

حضرت سقا خون قلب و بازوی حسین

امام حسین علیه السلام چون برادر را کشته و در خون غلطان دید
صرخه زد و فرمود:

«وَأَخَاهُ! وَاعْبَاسَاهُ! وَامُهِجَّةَ قَلْبَاهُ! يَعْزُّوَاللَّهِ عَلَيَّ فِرَاقُكَ».
ای وای برادرم! وای عباسم! وای خون قلبم! به خدا سوگند که
فراق تو بر من بسیار سخت است.

سپس امام علیه السلام بر آن قوم کافراز راست و چپ حمله
می کرد، و آنان فرار می کردند، و او می فرمود:
«أَيْنَ تَفِرُّونَ وَ قَدْ قَتَلْتُمُ أَخِي؟ أَيْنَ تَفِرُّونَ وَ قَدْ فَتَنُّمُ
عَضْدِي؟».

به کجا فرار می کنید حال آن که برادرم را کشتید؟ به کجا فرار
می کنید حال آن که بازویم را خرد کردید؟.

و در ناسخ التواریخ آمده است: امام حسین علیه السلام بالای
پیکر حضرت عباس علیه السلام چنین مرثیه خواند:

«أَحَقُّ النَّاسِ أَنْ يُبْكِيَ عَلَيْهِ»

«فَتَى أَبْكِي الْحُسَيْنَ بِكَرْبَلَاءِ»

سزاوارترین کس به گریه کردن در مصیبتش
جوان مردی است که حسین را در کربلاء به گریه آورد

«أَخُوهُ وَابْنُ وَالِدِهِ عَلِيٍّ»

«أَبُو الْفَضْلِ الْمُضَرَّجِ بِالدِّمَاءِ»

او برادرش و فرزند پدرش علی بود
ابوالفضل که (در راه برادرش) به خون آغشته گردید

«وَمَنْ وَاسَاهُ لَا يَنْتَهِ شَيْءٌ»

«وَجَادَ لَهُ عَلَى عَطَشٍ بِمَاءٍ»

او که با حسین در همه چیز مواسات کرد و چیزی مانعش نشد
برایش در میان آب تشنه با دشمنان جنگید.

نور دیدگان، مهتاب درخشنده و شقیق الحسین

و برخی گفته‌اند که امام حسین علیه السلام فرمود:

«أَخِي يَا نُورَ عَيْنِي يَا شَقِيقِي»

«فَلِي قَدْ كُنْتُ كَالرُّكْنِ الْوَثِيقِ»

برادر من، ای نور دیده گانم، وای پاره تن و جان من!

تو برای من مانند رکن و ستون محکم بودی.

«أَيُّا ابْنَ أَبِي نَصَحْتَ أَخَاكَ حَتَّى»

«سَقَاكَ اللَّهُ كَأْسًا مِنْ رَحِيقِ»

ای فرزند پدرم! برادر خود را مناصحه (فعلى) نمودی

تا خدا تورا جامی از نوشیدنی خالص بهشت نوشاند.

«أَيُّا قَمَرًا مُنِيرًا كُنْتَ عَوْنِي»

«عَلَى كُلِّ النَّوَائِبِ فِي الْمَضِيقِ»

ای مهتاب درخشنده! تو مرا یار و یاور بودی

در همه مصیبت ها و در تنگی و شدت.

«فَبَعْدَكَ لَا تَطِيبُ لَنَا حَيَاةٌ»

«سَنُجْمَعُ فِي الْغَدَاةِ عَلَى الْحَقِيقِ»

بعد از تو زندگی برای ما خوش و گوارا نخواهد بود
بی شک و زود است که در بامداد در یک جا گرد آییم

«أَلَا لِلَّهِ شَكْوَايَ وَصَبْرِي»

«وَمَا أَلْقَاهُ مِنْ ظَمَأٍ وَضِيقٍ»

شکایت و صبر من به درگاه الهی و برای خداوند است
و آن چه که از تشنگی و تنگی درمی یابم برای خداست.

حدیث حضرت عباس علیه السلام

چون امام حسین علیه السلام به برادرشان حضرت عباس، برای رفتن به جنگ اجازه دادند، ایشان هم چون کوهی با عظمت و ... رو به میدان آوردند ... در حالی که چنین ندا می دادند:

«یا عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ! هَذَا الْحُسَيْنُ ابْنُ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ ... وَ هُمْ عَطَاشَى قَدْ أَحْرَقَ الظَّمَا قُلُوبَهُمْ فَاسْقُوهُمْ شَرْبَةً مِنَ الْمَاءِ ...».

ای عمر بن سعد! این حسین فرزند دختر رسول الله است ... آنان لب تشنه اند، تشنگی جگرهایشان را سوزانده است. آنان را جرعه ای آب دهید

شمرو شبت بن ربیع (لعنة الله علیهما) بیرون آمدند ... و گفتند:

ای فرزند ابوتراب! به برادرت بگو: اگر تمام زمین آب بود و در تصرف ما، شما را قطره ای از آن نمی دادیم

حضرت عباس علیه السلام به امام علیه السلام عرضه داشت:

«...أُرِيدُ أَنْ أَطْلُبَ ثَارِي مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُنَافِقِينَ».

... می خواهم از این منافقان خون خواهی خویش کنم.

و امام حسین علیه السلام فرمود:

«فَاطْلُبْ لَهُؤُلَاءِ الْأَطْفَالَ مَاءً ...».

پس برای این کودکان، آبی طلب کن

سوار بر اسب شد ... و چهارهزار نفر او را محاصره کردند. آنان را از

فرات کنار زد تا این که وارد آب شد، ...^{۱۱}.

حدیث امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام

ایثارگرو فدایی حسین

همه شهدا در قیامت به جایگاه حضرت عباس غبطه می‌خورند

ابوحزه ثمالی گوید: امام زین العابدین علیه السلام به عیدالله فرزند حضرت عباس علیه السلام نگاه کرد، گریان شد و فرمود:
«... وَلَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ، إِذْ دَلَفَ إِلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، كُلٌّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِدَمِهِ، وَهُوَ بِاللَّهِ يُذَكِّرُهُمْ فَلَا يَتَّعِظُونَ، حَتَّى قَتَلُوهُ بَغْيًا وَظُلْمًا وَعُدْوَانًا».

... و هیچ روزی هم چون روز امام حسین علیه السلام نیست. او را سی هزار نفر محاصره کرده بودند، همگی به دروغ مدعی بودند که از امت پیامبر هستند. همه آنان با قصد قربت به الله خون حضرت را ریختند در حالی که آنان را به یاد خداوند می‌انداخت، موعظه نمی‌پذیرفتند تا آن جا که حضرت را از روی ستم و ظلم و دشمنی

شهید کردند.

«رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وَأَبْلَى وَفَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ
حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ، فَأَبْدَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ
بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنْزِلَةً
يَغْبِطُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».^{۱۲}

خدا عباس را رحمت کند، همانا او فداکاری نمود و سختی ها کشید
و جان خود را برای برادرش فدا نمود تا آن جا که دو دست حضرت
جدا شد، خداوند به جای آن ها به ایشان دو بال بخشید که با
آن ها در بهشت همراه با فرشتگان پرواز می کند همان طور که برای
جعفر پسر ابوطالب علیهما السلام چنین نمود و همانا برای عباس
نزد خداوند عزوجل جایگاهی ویژه است که همه شهدا در روز
قیامت به آن غبطه می خورند.

حدیث امام جعفر صادق علیه السلام

بینش ژرف و ایمانش استوار

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«كَانَ عُمُّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ، صُلْبَ الْإِيمَانِ، جَاهِدَ
مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَبْلَى بَلَاءً حَسَنًا،
وَمَضَى شَهِيدًا».^{۱۳}

عموی ما عباس، انسانی ژرف‌نگر (در معرفت) و آراسته به ایمانی
استوار بود؛ به همراه حسین علیه السلام جهاد نمود، و در آزمونی
نیکو سربلند شد، و شهید از دنیا رفت.

حدیث امام علی الرضا علیه السلام

از اهل بیت بی مانند حسین

بنابر فرمایش مولانا الامام علی الرضا صلوات الله علیه، شهداء از بنی هاشم (سادات یعنی کسانی که از نسل رسول الله یا از امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما بودند) در کربلا، هیچ یک در زیر آسمان و بر روی زمین «مثل و مانند» نداشتند، ندارند و نخواهند داشت.

ربیان بن شبیب گوید: روز اول ماه محرم خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم به من فرمود: ای پسر شبیب روزه ای؟ عرض کردم نه، فرمود: «إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي دَعَا فِيهِ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ ... يَا ابْنَ شَبِيبٍ! إِنْ كُنْتَ بَاكِياً لَشَيْءٍ فَأَبُكْ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ، وَقُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَبِهُونَ، ...»^{۱۴}.

همانا امروز روزی است که زکریّا به درگاه پروردگار عزّوجلّ خود
دعا کرد ... ای پسر شیبیب! اگر خواهی برای چیزی گریه کنی،
برای حسین بن علیّ بن ابی طالب گریه کن! زیرا آن مظلوم به
نحوی ذبح گردید که گوسفند ذبح می شود و هجده نفر از مردان
اهل بیتش با او کشته شدند که در زمین مانندی نداشتند،

رجزهای حضرت عباس علیه السلام

برخی از رجزهای حضرت عباس علیه السلام در روز عاشوراء،
که در بسیاری از کتب مقاتل فریقین آمده است:

در حمله بر لشکر یزیدیان لعنهم الله چنین می سرود:

«أَقَاتِلُ الْقَوْمَ بِقَلْبٍ مُّهْتَدٍ»

«أَذُبُّ عَنْ سَبْطِ النَّبِيِّ أَحْمَدٍ»

با این گروه (کفار) با دل هدایت یافته می جنگم

و از نواده احمد پیامبر دفاع می نمایم

«أَضْرِبُكُمْ بِالصَّارِمِ الْمُهَنْدِ»

«حَقِّي تَحِيدُوا عَنْ قِتَالِ سَيِّدِي»

(ای کافران!) شما را با شمشیر بران هندی می زنم

تا این که از جنگیدن با سرورم سرباز زنید

«إِنِّي أَنَا الْعَبَّاسُ ذُو التَّوَدُّدِ»

«نَجُلُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى الْمُؤَيَّدِ».

منم عباس! صاحب مودّت
فرزند علی مرتضی مؤیّد (به تأییدات خداوند).
در حمله بر لشکری که مانع رسیدن آب برای اهل حرم گردیدند،
چنین می فرمود:

«أَقْسَمْتُ بِاللَّهِ الْأَعَزِّ الْأَعْظَمِ»

«وَبِالْحَجَّوْنَ صَادِقًا وَزَمَزَمَ»

به خدای بزرگ و ارجمند سوگند می خورم

و به حجّون و زمزم سوگند

«وَبِالْحَاطِمِ وَالْفِنَا الْمُحَرَّمِ»

«لِيُخَضَّبَنَّ الْيَوْمَ جِسْمِي بِدَمِي»

به حطیم و آستانه آن (کعبه) که حرم است؛ سوگند

هرآینه تنم را به خونم رنگین می کنم

«دُونَ الْحُسَيْنِ ذِي الْفَخَارِ الْأَقْدَمِ»

«إِمَامِ أَهْلِ الْفَضْلِ وَالْتَّكْرُمِ».

در راه دفاع از حسین که پیوسته با افتخار بوده
 و امام اهل فضل و کرم است .
 و هنگامی که وارد رود فرات شد چنین فرمود:
 «لَا أَرْهَبُ الْمَوْتَ إِذِ الْمَوْتُ زَقَا (رَقَا)»
 «حَتَّى أُوَارَى (أُوَارِيَ) فِي الْمَصَالِيَةِ لِقَا»
 از مرگ هنگامی که بانگ زند (برآید) ، بیمی ندارم
 تا این که در میان مبارزان ناپیدا شوم (خواری را پنهان کنم)
 «لَا أَخَافُ حَادِثًا إِنْ طَرَقَا»
 «بَلْ أَضْرِبُ الْهَامَ وَأَفْدِي الْمَفْرَقَا»
 از آن چه که رخ دهد نمی ترسم
 بلکه بفرق ها می زنم و فرق سرم را فدا می کنم
 «نَفْسِي لِنَفْسِ الْمُصْطَفَى الطُّهْرِ وَقَا»
 «إِنِّي أَنَا الْعَبَّاسُ أَغْدُو بِالسِّقَا»
 جانم سپر جان پیامبر طاهر و برگزیده (خدا) باد

همانا من عباسم، که سقا شده‌ام
«وَلَا أَخَافُ الشَّرَّ عِنْدَ (يَوْمِ) الْمُلتَقَى».
و از مرگ در هنگام (و روز) مصاف با دشمن هراسی ندارم.
و بعد از قطع شدن دست راستش بر دشمن حمله کرد و فرمود:

«وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُ يَمِينِي»
«إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي»
به خدا قسم اگر دست راستم را قطع نمودید
باز از پای نمی‌نشینم و از دینم دفاع می‌کنم
«وَعَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ الْيَقِينِ»
«نَجَلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْأَمِينِ»
و از امامی حمایت می‌کنم که یقینی صادق دارد
و نوه پیامبر پاک و امین است.

پس از قطع شدن دست چپش بر دشمن حمله کرد و فرمود:

«يَا نَفْسُ لَا تَخْشِي مِنَ الْكُفَّارِ»

«وَأُبَشِّرِي بِرَحْمَةِ الْجَبَّارِ»

ای نفس! از کفار نترس

تورا به رحمت خداوند جبار مژده باد

«مَعَ النَّبِيِّ السَّيِّدِ الْمُخْتَارِ»

«قَدْ قَطَعُوا بِبَغْيِهِمْ يَسَارِي»

همراه با سید عالم، پیامبر برگزیده حق

(خدایا!) همانا دست چپ مرا قطع کردند

«فَأَصْلِهِمْ يَا رَبِّ حَرَّ النَّارِ».

حرارت آتش (جهنم) را به آنان بچشان.

سخن آخر حضرت سقا

چون از روی اسب بر زمین افتاد با صدای بلند فریاد زد:

«يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! عَلَيْكَ مِنِّي السَّلَامُ - أَذْرِكُنِي يَا أَخِي».

ای ابا عبدالله! از من بر تو سلام (خدا حافظ) - ای برادر، مرا دریاب.

آن کافران جنایت پیشه از روی کینه پاهای حضرتش را نیز بریدند.^{۱۵}

زبّارتِ های
مولانا السّقاء
علیه السّلام

زیارت یکم

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

چون خواستی قبر عباس بن علی علیهما السلام را که در کنار نهر فرات و مرادف حرم امام حسین علیه السلام است، زیارت کنی بر در شبستان بایست و بگو:

«سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ
وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَ جَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ
الزَّاهِدِينَ الطَّيِّبَاتِ فِيمَا تَغْتَدِي وَ تَرُوحُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ). أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ
التَّصَدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ لِخَلَفِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) الْمُرْسَلِ، وَ السَّبْطِ الْمُتَنَجِّبِ، وَ الدَّلِيلِ
الْعَالِمِ، وَ الْوَصِيِّ الْمُبَلِّغِ، وَ الْمَظْلُومِ الْمُهْتَزَّمِ (الْمُضْطَهَدِ)،
فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (وَ عَنْ فَاطِمَةَ) وَ

عَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، أَفْضَلَ الْجَزَاءِ
بِمَا صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ وَأَعْنَتَ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ
مَنْ قَتَلَكَ، (وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ)، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهِلَ
حَقَّكَ، وَاسْتَخَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَ
بَيْنَ مَاءِ الْفُرَاتِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُومًا، وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ
لَكُمْ (ثَأْرَ) مَا وَعَدَكُمْ، جِئْتُكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَافِدًا
إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ (وَتَابِعٌ)، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ، وَ
نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ (بِأَمْرِهِ)، وَهُوَ
خَيْرُ الْحَاكِمِينَ. فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، إِنِّي بِكُمْ وَ
بِإِيَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَ قَتَلَكُمْ مِنَ
الْكَافِرِينَ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ».

سپس داخل شده و خود را روی قبر بیانداز و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَ

لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
(صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ)، (وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ
الَّذِينَ اصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ)، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ (وَمَغْفِرَتُهُ) وَ رِضْوَانُهُ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ، أَشْهَدُ
وَ أَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ (عَلَيْهِ)
الْبَدْرِيُّونَ، (وَ) الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُنَاصِحُونَ لَهُ
فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ، (وَ) الْمُبَالِغُونَ فِي نَصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، الذَّابُونَ
عَنْ أَحِبَّائِهِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَ أَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَ
أَوْفَرَ الْجَزَاءِ، وَ أَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بَيْعَتَهُ، وَ اسْتَجَابَ
لَهُ دَعْوَتُهُ، وَ أَطَاعَ وِلَاةَ أَمْرِهِ. وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي
النَّصِيحَةِ، وَ أُعْطِيتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي
الشُّهَدَاءِ، وَ جَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ الشُّهَدَاءِ (السُّعْدَاءِ)، وَ
أَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَهَا مَنْزِلًا، وَ أَفْضَلَهَا غُرْفًا، وَ رَفَعَ

ذَكَرَكَ فِي عِلِّيَّينَ (الْعَلِيِّينَ - الْعَالَمِينَ)، وَ حَشَرَكَ مَعَ
 النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ حَسُنَ
 أَوْلِيكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ، وَ (أَشْهَدُ)
 أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ، وَ
 مُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ (صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) وَأَوْلِيَائِهِ (أَوْصِيَائِهِ) فِي مَنَازِلِ الْمُخْبِتِينَ
 (الْمُحْسِنِينَ)، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ
 رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».^{۱۶}

شیخ مفید قدس سره گوید:

سپس به سمت بالای سر شریف رفته و دو رکعت نماز [زیارت] بگزار،
 و بعد از آن هرچه می خواهی نماز بگزار، و بسیار دعا کن، و بعد از
 رکعت های نماز چنین بگو:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تَدَعْ لِي فِي هَذَا

الْمَكَانِ الْمُكْرَمِ وَالْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا
هَمّاً إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا كَرْباً إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا مَرَضاً إِلَّا
شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْباً إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا رِزْقاً إِلَّا بَسَطْتَهُ، وَلَا خَوْفاً
إِلَّا آمَنْتَهُ، وَلَا شَملاً إِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا غَائِباً إِلَّا حَفِظْتَهُ وَ
أَدَيْتَهُ (أَذْنَيْتَهُ)، وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَكَ
فِيهَا رِضًى، وَلِي فِيهَا صَلَاحٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

سپس سوی ضریح بازگرد و نزد پای حضرت بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَاماً، وَأَقْدَمِهِمْ إِيمَاناً، وَأَقْوَمَهُمْ بَدِينِ اللَّهِ، وَ
أَحْوِطَهُمْ عَلَى الْإِسْلَامِ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَ
لِأَخِيكَ، فَنِعْمَ الْأَخُ الْمُوَاسِي، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ
اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ،

وَأَنْتَهَكْتُ فِيكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ، فَنِعَمَ الصَّابِرُ الْمُجَاهِدُ،
 الْمُحَامِي النَّاصِرُ، وَالْأَخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ، الْمُجِيبُ إِلَى
 طَاعَةِ رَبِّهِ، الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ
 وَالشَّانِءِ الْجَمِيلِ، فَأَلْحَقَكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي دَارِ (جَنَّاتِ)
 النَّعِيمِ. اللَّهُمَّ إِنِّي (لَكَ) تَعَرَّضْتُ، (وَ) لِمُزَارَعَةِ أَوْلِيَائِكَ
 (قَصَدْتُ)، رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ، وَرَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ، وَجَزِيلِ
 إِحْسَانِكَ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ
 أَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا، وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَزِيَارَتِي بِهِمْ
 مَقْبُولَةً، (وَ) ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَأَقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحًا مُنْجِحًا
 مُسْتَجَابًا لِي دُعَائِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورِهِ
 الْقَاصِدِينَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ) وَحَيَاتِي بِهِمْ
 طَيِّبَةً، وَأَدْرِجْنِي إِدْرَاجَ الْمُكْرَمِينَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ
 مِنْ زِيَارَةِ مَشَاهِدِ أَحْبَائِكَ (مُفْلِحًا) مُنْجِحًا، قَدْ اسْتَوْجَبَ

غُفْرَانَ الذُّنُوبِ، وَ سَتَرَ الْعُيُوبِ، وَ كَشَفَ الْكُرُوبِ،
إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ».^{١٧}

١٣٣

يا كاشف الكرب عن وجه أخيك الحسين عليه السلام
اكشف كربي بحق أخيك الحسين عليه السلام

زیارت دوم

صفوان جمال گوید: امام جعفر صادق علیهما السلام به من فرمودند:
آن گاه که خواستی حسین بن علی علیهما السلام را زیارت کنی،
پیش از آن، سه روز روزه بگیر و در روز چهارم غسل کن و خانواده
و فرزندان را گرد خود جمع کن و پیش از راه افتادن بگو:
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَ...».

سپس به زیارت قبر عباس بن علی علیهما السلام می روی و
می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الصَّالِحُ النَّاصِحُ الصِّدِّيقُ. أَشْهَدُ
أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللَّهِ، وَنَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ، وَوَأَسَيْتَ بِنَفْسِكَ، وَبَذَلْتَ
مُهِجَتَكَ، فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ السَّلَامُ التَّامُّ».

سپس بر روی قبر افتاده و آن را می بوسی و می گویی:

«بِأَيِّ أَنْتَ وَأُمِّي يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ الصِّدِّيقِ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ ابْنِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنِّي أَبَدًا
مَا بَقِيْتُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ».

و از نزد حضرت خارج شده سپس به سوی قبر سرورمان امام
حسین علیه السلام باز می گردی. آنچه دوست داری نزدش می مانی،
برایت خوش ندارم آن جا را خواب گاه قرار دهی.^{۱۸}

زیارت سوم

صادر شده از ناحیه مقدسه علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم، آن گاه که خواستی شهداء رضوان الله
عليهم را زیارت کنی ...

«... السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،
الْمُؤَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ، الْآخِذِ لِعَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ،
الْوَاقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ، الْمَقْطُوعَةَ يَدَاهُ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْهِ
يَزِيدَ بْنَ الرُّقَادِ الْحَيْتِيِّ (الْوَقَادِ الْجُهَنِيِّ) وَ حَكِيمَ بْنَ
الْطُّفَيْلِ الطَّائِي، ...»^{۱۹}

زیارت چهارم

در شب قدر و دو عید فطر و قربان

شیخ مفید رحمه الله گوید:

هنگامی که به سوی محلّ شهادت امام حسین علیه السلام می‌روی، پیش از آن که وارد بارگاه آن حضرت شوی، غسل کن، و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش، نزد قبر بایست، و صورتت را به سوی حضرت قرار بده، و ... سپس به سوی قبر عباس بن امیرالمؤمنین علیهما السلام گذر کرده، سپس آن جا بایست و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَالْحَقَّهُمْ بِدَرَكِ الْجَحِيمِ».

سپس در بارگاه آن حضرت هرچه می‌خواهی نماز مستحجّی بخوان و

به درگاه الهی بسیار دعا کن ان شاء الله.^{۲۰}

زیارت پنجم

در ماه ذی الحجّه

و شب و روز عرفه

و شب و روز عید قربان

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَ
لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا وَ عَلَيْكَ
السَّلَامُ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ عَلَى رُوحِكَ وَ
بَدَنِكَ. أَشْهَدُ اللَّهَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْهِ
الْبَدْرِيُّونَ، الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُنَاصِحُونَ فِي
جِهَادِ الْأَعْدَاءِ، الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ [الأُولِيَاءِ]،
فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَ أَوْفَرَ جَزَاءٍ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى
بِبَيْعَتِهِ، وَ اسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَ حَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ
الصِّدِّيقِينَ، وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ حَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا،

(وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ)».

سپس نزد سرآن حضرت علیه السلام دو رکعت می خوانی و بعد از
آن دو رکعت، دعا می کنی.^{۲۱}

زیارت ششم

در شب عید فطرو در شب و روز عید قربان

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ (الْوَلِيُّ) الصَّالِحُ، وَ الصِّدِّيقُ
الْمُوَاسِي، أَشْهَدُ أَنَّكَ آمَنْتَ بِاللَّهِ، وَ نَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ،
وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ، وَ وَاسَيْتَ بِنَفْسِكَ، (وَ بَذَلْتَ
مُهِجَتَكَ)، فَعَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلُ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ».

سپس بر قبر افتاده و بگو:

«يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ
الْحُسَيْنِ الصِّدِّيقِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ الْحُسَيْنِ
الشَّهِيدِ. عَلَيْكَ مِنِّي السَّلَامُ مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ».

سپس نزد سر حضرت دو رکعت نماز می گزاری و آن چه را که نزد سر

حسین علیه السلام گفتی بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ، وَ لَكَ رَكَعْتُ، وَ لَكَ سَجَدْتُ، وَ حَذَاكَ

لَا شَرِيكَ لَكَ، لِأَنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغُهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ. اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي الْعَبَّاسِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي، وَأَجْرُنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي أَوْلِيَائِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».^{۲۲}

و به حرم امام حسين عليه السلام بازمی گردی و آن چه را دوست داری در آن جا اقامت کنی، جزاین که مستحب است آن جا را محل بیتوته (یعنی خواب و استراحت) خود قرار ندهی^{۲۳}

امام ابو محمد حسن بن علی زکی عسکری علیه السلام فرمود:

«عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ (الْمُؤْمِنِينَ) خَمْسٌ؛ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ
الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُمُ فِي (بِ) الْيَمِينِ وَ
تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ».^{۲۴}

نشانه‌های انسان مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز
(مجموع رکعت‌های نمازهای واجب و مستحب در هر روز است) و
زیارت اربعین و انگشتی در دست راست کردن و سجده بر خاک
گزاردن و بلند گفتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

زیارت هفتم

از جابر بن عبد الله الأنصاری رضی الله عنه در روز اربعین
عطاء گوید: روز بیستم ماه صفر همراه جابر بن عبد الله بودم، چون
به سرزمین غاضریّه رسیدیم، در رودخانه آن جا (فرات) غسل کرد
و لباس پاکی را که به همراه داشت پوشید. سپس به من گفت:
ای عطاء! آیا عطر همراه تو هست؟ گفتم: من سعدی دارم. پس از
آن مقداری روی سرو سایر قسمت های بدنش کشید. سپس
پابرنه قدم برداشت تا این که نزد قبر امام حسین علیه السلام
ایستاد. سه بار الله اکبر گفت. سپس بر روی قبر به حالت غش
افتاد. چون به حال خویش بازگشت، شنیدم که می گوید:
السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یا آل الله ... سپس به سوی قبر عباس بن
امیرالمؤمنین علیهما السلام آمد. نزد قبر ایستاد و گفت:

«السَّلَامُ عَلَیْکَ یا أَبَا الْقَاسِمِ. السَّلَامُ عَلَیْکَ یا عَبَّاسَ بْنَ
عَلِیٍّ. السَّلَامُ عَلَیْکَ یا ابْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ. أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ

بَالَعْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ، وَجَاهَدْتَ عَدُوَّكَ وَ
عَدُوَّ أَخِيكَ، فَصَلِّوْا لِلَّهِ عَلَى رُوحِكَ الطَّيِّبَةِ، وَجَزَاكَ اللَّهُ
مِنْ أَخٍ خَيْرًا».

سپس دو رکعت نماز می خوانی و دعا می کنی و از آن جا می روی.^{۲۵}

زيارت وداع
مولانا السقاء
عليه السلام

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

چون خواستی با حضرت عباس وداع کنی نزدش رفته و بگو:
«أَسْتَوِدُّكَ اللَّهُ وَ أَسْتَرْعِيكَ، وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ. آمَنَّا
بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِكِتَابِهِ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ
اَكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ
قَبْرِ (زِيَارَتِي قَبْرِ) وَلِيِّكَ، وَ ابْنِ أَخِي نَبِيِّكَ (رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ). وَ ارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ احْشُرْنِي مَعَهُ وَ
مَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ. اللَّهُمَّ وَ عَرِّفْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ رَسُولِكَ وَ
أَوْلِيَائِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَوَفَّنِي عَلَى
الْإِيمَانِ بِكَ، وَ التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ، وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وَ لَدِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، وَ الْبَرَاءَةِ مِنْ
عَدُوِّهِمْ، فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ (يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ)».

(و بر محمد و آل محمد صلوات فرست) و برای خود و پدر و مادرت و

زنان و مردان با ایمان و مسلمان دعا کن، و هر دعایی را (که خواهی) اختیار کن.^{۲۶}

امید دارم مولایم ابا الفضل العباس صلوات الله و سلامه علیه این کمترین خدمت را به کرمش از این کوچکترین عبد محمد و آلش صلی الله علیهم بپذیرد، و مرا از دریای معرفتش سقایت نماید. ساعت یازده صبح تا سوعای ۱۴۳۷ روز حضرت عباس علیه السلام قم المقدّسه عشاء آل محمد صلوات الله و سلامه علیهم عُبَّيْدُهُمْ حیدر حسین حیدر الترتبی الکربلائی



فهرست منابع

- إبصارالعين في أنصار الحسين عليه السلام: الشيخ محمد بن الشيخ طاهر السماوي، منشورات بصيرتي - قم.
- أسرار الشهادة: ملا آقا الدربندي المتوفى سنة ١٢٨٥.
- أعيان الشيعة: السيد محسن الأمين.
- إعلام الوري بأعلام الهدى: أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي من أعلام القرن ٦، مطبعة ستاره - قم، الطبعة الأولى، ١٤١٧ هـ.
- و مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، ١٤١٧ هـ.
- إقبال الأعمال: السيد علي بن موسى بن طاووس الحسيني الحلبي (ت ٦٦٤ هـ)، دارالحجّة - قم. و مركز النشر الإسلامي - قم، تحقيق جواد القيومي.
- الأمالى: أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي الصدوق (ت ٣٨١ هـ)، المكتبة الإسلامية، ١٣٦٢ ش.
- الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد عليهم السلام: محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي، المفيد (ت ٤١٣ هـ)،

ضمن سلسلة مؤلفات الشَّيخ المفيد، دارالمفيد- بيروت.

بجارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السَّلام:
العلامة محمَّد باقر المجلسي (ت ١١١١هـ)، دار الكتب
الإسلامية - طهران، الطَّبعة الرَّابعة ١٣٦٢ش. و مؤسَّسة
الوفاء- بيروت، ١٤٠٣.

البلد الأمين: إبراهيم بن عليّ الكفعمي (ت ٩٠٠هـ)، نشر الرُّضي
- قم، ١٤٠٥هـ. والطبع الحجري.

تاريخ الأمم والملوك: أبو جعفر محمَّد بن جرير بن زيد الطُّبري
(ت ٣١٠هـ)، الطَّبعة الثَّانية، دارالمعارف- مصر.

تجارب الأمم: أبو عليّ مسكويه الرَّازي (ت ٤٢١هـ)، دارالسُّروش
للطَّباعة والنَّشر، الطَّبعة الأولى، ١٤٠٧هـ.

تهذيب الأحكام: أبو جعفر محمَّد بن الحسن الطُّوسي
(ت ٤٦٠هـ)، نشر دارالكتب الإسلامية ١٣٦٥ش.

الخصال: أبو جعفر محمَّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القمي
الصَّدوق (ت ٣٨١هـ)، جامعة المدرِّسين في الحوزة العلميَّة- قم.

الدمعة الساكبة في المصيبة الراتبية، والمناقب الثاقبة، والمثالب العائبة: الحاج الملا محمد باقر بن عبد الكريم الدهدشتي البهبائي النجفي المسكن والمدفن، توفي بها في سنة ١٢٨٥هـ. روضة الواعظين: محمد بن الفتال النيشابوري، استشهد في سنة ٥٠٨هـ، منشورات الرضي - قم. و نشر دليل ما - قم، الأولى ١٤٢٣.

سّر السلسلة العلوية: أبي نصر البخاري الوفاة حوالي ٣٤١هـ، تحقيق وتقديم وتعليق: السيد محمد صادق بحر العلوم، الطبعة الأولى ١٤١٣هـ، انتشارات الشريف الرضي. شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأخيار: القاضي النعمان بن محمد التميمي المغربي المصري ت ٣٦٣، مؤسسة النشر الإسلامي - قم. عمدة الطالب: ابن عنبه (ت ٨٢٨هـ)، تحقيق وتصحيح: محمد حسن آل الطالقاني، الطبعة الثانية ١٣٨٠هـ. ش، المطبعة الحيدرية - النجف الأشرف.

عوالم العلوم والمعارف والأحوال (حياة الإمام الحسين عليه السلام):

المحدث الجليل الشيخ عبدالله البحراني الإصفهاني (توفي في القرن ١٢- من أعلام تلامذة العلامة المجلسي)، مؤسسة الإمام المهدي (عجل الله فرجه) - قم المقدسة، الطبعة الأولى ١٤٠٧هـ.
عيون أخبار الرضا عليه السلام: أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي (ت ٣٨١هـ)، نشر مؤسسة الأعلمي - بيروت.
كامل الزيارات: أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (ت ٣٦٧هـ.ق)، تصحيح و تعليق العلامة الأميني، المطبعة المرتضوية - النجف الأشرف، ١٣٥٩هـ.ق. و تحقيق الجعفري، نشر الصدوق - طهران ١٣٥٧هـ.ش. و تحقيق جواد القيومي، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، ١٤١٧هـ.ق.
الكامل في التاريخ: ابن الأثير الجزيري (ت ٦٠٦هـ)، دار الكتاب العربية - بيروت، الطبعة الثانية ١٣٨٧هـ.
مشير الأحزان: نجم الدين محمد بن جعفر هبة الله ابن نما الحلّي (ت ٤٦٥هـ)، المطبعة الحيدرية - النجف الأشرف ١٣٦٩هـ.
تحقيق مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام - قم، ١٤٠٦هـ.ق.

مصباح الزائر: السيّد أبو القاسم عليّ بن طاووس (ت ٦٦٤هـ)،
 مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم، ١٤١٧هـ.
 مصباح المتجّد وسلاح المتعبّد: أبو جعفر محمّد بن الحسن
 الطّوسيّ (ت ٤٦٠هـ)، تحقيق إسماعيل الأنصاريّ. و طبع
 الأعلميّ - بيروت، الطّبعة الثانية، ١٤٢٥هـ. و نشر مؤسسة
 فقه الشيعة - بيروت.
 معالي السّبطين: الشّيخ محمّد مهدي المازندارانيّ (توفي في
 القرن ١٤)، منشورات الرّضويّ - قم، الطّبعة الثانية ١٣٦٣هـ.ش.
 مقاتل الطالبين: أبو الفرج عليّ بن الحسين الإصفهانيّ (ت ٣٥٦).
 المزار: محمّد بن محمّد بن التّعمان العكبريّ، المفيد (ت ٤١٣هـ)،
 نشر مدرسة الإمام المهديّ عليه السلام. دارالمفيد - بيروت،
 الطّبعة الثانية ١٤١٤هـ، ضمن سلسلة مؤلّفات المفيد.
 المزار: محمّد بن مكّي العامليّ، الشّهيد الأوّل من أعلام القرن
 الثامن، نشر مدرسة الإمام المهديّ عليه السلام.
 المزار الكبير: أبو عبد الله محمّد بن جعفر المشهديّ (ت ٦١٠هـ)،

تحقيق جواد القيومي، مؤسسة النشر الإسلامي - قم، ١٤١٩ هـ.
المصباح: إبراهيم بن علي الكفعمي (ت ٩٠٠ هـ)،
المقنعة: محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي، المفيد
(ت ٤١٣ هـ)، دارالمفيد - بيروت، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ،
ضمن سلسلة مؤلفات المفيد.
المنتظم: ابن الجوزي، عبد الرحمن بن علي (ت ٥٩٧ هـ)،
دارالكتب الإسلامية - بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ.
نهاية الإرب في فنون الأدب: أحمد التويري (ت ٧٣٣).
وسائل الشيعة: محمد بن الحسن الحر العاملي (ت ١١٠٤ هـ)،
مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم، الطبع الأول ١٤١١ هـ.
وسيلة الدارين، الرنجاني:

پی نوشت ها

- ۱- سوره (۳) آل عمران (آل محمد صلی الله علیهم) آیات ۱۷۰-۱۷۲.
- ۲ - الأُمّالی، الشَّیخ الصَّدوق: ص ۱۱۵ المجلس ۲۴ ح ۲- حدَّثنا علی بن أحمد بن موسى الدَّقَّاق رحمه الله قال: حدَّثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي قال: حدَّثنا موسى بن عمران النَّخعی، عن عمِّه الحسين بن یزید التَّوفلی، عن الحسن بن علی بن أبي حمزة، عن أبيه، عن سعید بن جبیر، عن ابن عباس قال: إنَّ رسول الله صلی الله علیه و آله كان جالساً ذات يوم إذ أقبل الحسن علیه السَّلام فلما رآه بكى ثم قال: إِيَّايَ يا بُنَيَّ، فما زال يَدنيه حتَّى أجلسه على فخذه الیمنی ثمَّ أقبل الحسين علیه السَّلام فلما رآه بكى ثمَّ قال: إِيَّايَ إِيَّايَ يا بُنَيَّ فما زال يَدنيه حتَّى أجلسه على فخذه اليسرى ثمَّ أقبلت فاطمة علیها السَّلام فلما رآها بكى ثمَّ قال: إِيَّايَ يا بُنَيَّةَ فأجلسها بین یدیه ثمَّ أقبل أمير المؤمنين علیه السَّلام فلما رآه بكى ثمَّ قال: إِيَّايَ يا أَخِي فما زال يَدنيه حتَّى أجلسه إلى جنبه

الأيمن فقال له أصحابه: يا رسول الله! ما ترى واحداً من هؤلاء إلا بكيت أو ما فيهم من تسربرؤيته؟ فقال صلى الله عليه وآله: والذي بعثني بالنبوة، واطفاني على جميع البرية، إني وإياهم لأكرم الخلق على الله عز وجل، وما على وجه الأرض نسمة أحب إليّ منهم، أما علي بن أبي طالب عليه السلام فإنه أخي وشقيقي، وصاحب الأمر بعدي، وصاحب لوائي في الدنيا والآخرة، وصاحب حوضي وشفاعتي، وهو مولى كل مسلم، وإمام كل مؤمن، وقائد كل تقي، وهو وصيي، وخليفتي على أهلي وأمتي في حياتي وبعد موتي، محبته محبي، ومبغضه مبغضي، وبولايته صارت أمتي مرحومة، وبعداوته صارت المخالفة له منها ملعونة، وإني بكيْتُ حين أقبل، لأنّي ذكرتُ غدر الأئمة به بعدي، حتّى إنّه ليُرَال عن مقعدي، وقد جعله الله له بعدي، ثم لا يزال الأمر به حتّى يضرب على قزنبه ضربة تخضب منها لحيتُهُ، في أفضل الشهور شهر رمضان، الذي أنزل فيه القرآن، هدى للناس

وَبَيْنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ. وَ أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَ هِيَ بَصُعَّةٌ مِنِّي، وَ هِيَ نُورٌ
عَيْنِي، وَ هِيَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي، وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنَّبَيَّ، وَ هِيَ
الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، مَتَى قَامَتْ فِي مُحْرَبِهَا بَيْنَ يَدَيَّ رِبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ
ظَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ، كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ،
وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي! انْظُرُوا إِلَى أَمَتِي
فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي، قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ تَزْعُدُ فَرَائِصُهَا مِنْ خِيفَتِي، وَ
قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شَيْعَتَهَا مِنَ
النَّارِ وَ أَنِّي لَمَّا رَأَيْتُهَا ذَكَرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهَا بَعْدِي، كَأَنِّي بِهَا وَقَدْ
دَخَلَ الدُّلُّ بَيْتَهَا، وَ انْتَهَكَتْ حُرْمَتَهَا، وَ غُصِبَتْ حَقُّهَا، وَ مُنِعَتْ
إِزْمَتُهَا، وَ كُسِرَ جَنْبُهَا [وَ كُسِرَتْ جَنْبُتُهَا]، وَ أَسْقَطَتْ جَنْبَتَهَا، وَ هِيَ
تُنَادِي: يَا مُحَمَّدَاة! فَلَا تُجَابُ، وَ تَسْتَعِيْثُ فَلَا تُغَاثُ، فَلَا تَزَالُ
بَعْدِي مُحْزُونَةً مَكْرُوبَةً بَاكِئَةً، تَتَذَكَّرُ انْقِطَاعَ الْوَحْيِ عَنْ بَيْتِهَا
مَرَّةً، وَ تَتَذَكَّرُ فِرَاقِي أُخْرَى، وَ تَسْتَوْحِشُ إِذَا جَتَّهَا اللَّيْلُ لِفَقْدِ

صَوْتِي الَّذِي كَانَتْ تَسْتَمِعُ إِلَيْهِ إِذَا تَهَجَّدْتُ بِالْقُرْآنِ، ثُمَّ تَرَى
نَفْسَهَا ذَلِيلَةً بَعْدَ أَنْ كَانَتْ فِي أَيَّامِ أَبِيهَا عَزِيزَةً، فَعِنْدَ ذَلِكَ
يُؤْنِسُهَا اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِالمَلَائِكَةِ، فَنَادَتْهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ مَرْيَمَ بِنْتَ
عِمْرَانَ فَتَقُولُ: يَا فَاطِمَةُ! إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ
عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. يَا فَاطِمَةُ! أَقْنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ
الرَّاكِعِينَ. ثُمَّ يَبْتَدِئُ بِهَا الْوَجْعَ فَيَمْرُضُ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهَا
مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ تُمَرِّضُهَا وَتُؤْنِسُهَا فِي عِلَّتِهَا، فَتَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ:
يَا رَبِّ! إِنِّي قَدْ سَمِئْتُ الْحَيَاةَ، وَتَبَرَّمْتُ بِأَهْلِ الدُّنْيَا، فَأَلْحِقْنِي
بِأَبِي. فَيَلْحَقُهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَا، فَتَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ
بَيْتِي، فَتَقْدُمُ عَلَيَّ مُحْزُونَةً مَكْرُوبَةً، مَغْمُومَةً مَغْصُوبَةً مَقْتُولَةً،
فَأَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ: اللَّهُمَّ الْعَنِ مَنْ ظَلَمَهَا، وَعَاقِبِ مَنْ غَصَبَهَا، وَ
ذَلِّلْ مَنْ أَذَلَّهَا، وَخَلِّدْ فِي نَارِكَ مَنْ ضَرَبَ جَنْبَهَا حَتَّى أَلْقَتْ وَلَدَهَا.
فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ ذَلِكَ: آمِينَ. وَأَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ ابْنِي وَوَلَدِي،
وَبَضْعَةٌ مِنِّي، وَقُرَّةُ عَيْنِي، وَضِيَاءُ قَلْبِي، وَثَمَرَةُ فُؤَادِي، وَهُوَ سَيِّدُ

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَقَوْلُهُ قَوْلِي، مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي، وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي، وَإِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ تَذَكَّرْتُ مَا يَجْرِي عَلَيْهِ مِنَ الدُّلِّ بَعْدِي، فَلَا يَزَالُ الْأَمْرُ بِهِ حَتَّى يُقْتَلَ بِالسِّمِّ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، فَعِنْدَ ذَلِكَ تَبْكِي الْمَلَائِكَةُ وَالسَّبْعُ الشِّدَادُ لِمَوْتِهِ، وَيَبْكِيهِ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الطَّيْرُ فِي جَوِّ السَّمَاءِ وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ، فَمَنْ بَكَاهُ لَمْ تَنْعَمْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَعْمَى الْعُيُونُ، وَمَنْ حَزَنَ عَلَيْهِ لَمْ يَحْزَنْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَحْزَنُ الْقُلُوبُ، وَمَنْ زَارَهُ فِي بَقِيعِهِ ثَبَتَتْ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ. وَأَمَّا الْحُسَيْنُ فَإِنَّهُ مِنِّي، وَهُوَ ابْنِي، وَوَلَدِي، وَخَيْرُ الْخَلْقِ بَعْدَ أَخِيهِ، وَهُوَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ، وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَخَلِيفَةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَغِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَكَهْفُ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَبَابُ نَجَاةِ الْأُمَّةِ، أَمْرُهُ أَمْرِي، وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي، مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي، وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي، وَإِنِّي لَمَّا رَأَيْتُهُ تَذَكَّرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهِ بَعْدِي، كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ

اَسْتَجَارَ بِحَرَمِي وَ قُرْبِي فَلَا يُجَارُ، فَأَضْمُهُ فِي مَنْامِهِ إِلَى صَدْرِي، وَ
 أَمَرُهُ بِالرَّحْلَةِ عَنْ دَارِ هِجْرَتِي، وَأُبَشِّرُهُ بِالشَّهَادَةِ، فَيَرْتَحِلُ عَنْهَا إِلَى
 أَرْضٍ مَقْتَلَةٍ، وَ مَوْضِعٍ مَضْرَعِهِ أَرْضٍ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ، وَ قَتْلٍ وَ فَنَاءٍ،
 تَنْصُرُهُ عِصَابَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أُولَئِكَ مِنْ سَادَةِ شُهَدَاءِ أُمَّتِي يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ قَدْ رُمِيَ بِسَهْمٍ فَخَرَّ عَنْ فَرْسِهِ صَرِيحًا،
 ثُمَّ يُذْبِحُ كَمَا يُذْبِحُ الْكَابُشُ مَظْلُومًا- ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ بَكَى مِنْ حَوْلِهِ وَ ارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُهُمْ بِالضَّجِيجِ
 ثُمَّ قَامَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ هُوَ يَقُولُ:- اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْكُو إِلَيْكَ مَا
 يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِي بَعْدِي- ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ.

ابن عباس گوید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست
 بود که حسن آمد و چون او را دید گریست و سپس فرمود: نزد من
 نزد من آی پسر! و او را به خود نزدیک کرد تا برزانوی راست
 نشانید. سپس حسین آمد و چون او را دید گریست و گفت: بیا
 بیا ای پسر! و او را هم نزدیک کرد تا برزانوی چپ خود نشانید.

سپس فاطمه آمد و او را هم به خود نزدیک کرد و برابر خود نشانید. و سپس امیرالمؤمنین آمد او را هم که دید گریست و نزدیک خود طلبید و در پهلوی راست خود نشانید. اصحابش گفتند: ای رسول الله! هر کدام را دیدی گریستی؟ در این ها کسی نبود که از دیدنش شاد شوی؟ فرمود: به حق آن که مرا به نبوت برانگیخته و بر همه مردم برگزیده، من و این ها گرمی ترین خلقیم نزد خدا، و روی زمین کسی نیست که از این ها نزد من محبوبتر باشد. اما علی بن ابی طالب که برادر من، و همزاد من، و بعد از من صاحب امر است، و صاحب پرچم من در دنیا و آخرت و صاحب حوض من و شفاعت من است، و سرور هر مسلمانی، و امام هر مؤمنی است، و پیشوای هر باتقوایی، و وصی و خلیفه من بر خاندانم و اتم در زندگی و پس از مرگم است، دوستش دوست من و دشمنش دشمنم، به ولایتش اتم مرحومه اند، و هر که مخالف او باشد ملعون است، و چون آمد گریستم برای آن که یادم آمد که پس از مرگ من اتم

با او دغل کنند و او را از مسندم که خدا آن را برایش پس از من
مقرر کرده بردارند، و سپس گرفتاری کشد تا ضربتی بر سرش زنند
که ریشش از آن خضاب شود در بهترین ماهی که ماه
رمضانست، و خدا در آن قرآن نازل کرده برای هدایت مردم و
گواهی بر رهنمائی و فرق حق و باطل. و اما دخترم فاطمه که
بانوی زنان جهانیان از اولین و آخرین است، و پاره تن من و نور
دیده من و میوه دل من و روح من است که درون من است و حوراء
انسیه است، هر وقت در محراب خود برابر پروردگارش جلّ جلاله
بایستند نورش به فرشتگان آسمان بتابد چنانچه نور ستارگان بر
زمین بتابد و خدای عزّوجلّ به فرشتگانش فرماید: ای فرشتگانم!
ببینید کنیزم فاطمه را و با وی کنیزانم را برابرم ایستاده و دلش از
ترسم می لرزد و دل به عبادتم داده، گواه باشید که شیعیانش را از
آتش امان دادم، و چون او را دیدم به یادم افتاد آنچه پس از من با
وی می شود، گویا می بینم خواری به خانه اش راه یافته و حرمتش

زیر پا رفته و حقش غصب شده و از ارش منع شده و پهلویش شکسته و جنین او سقط شده و فریاد می‌زند: یا محمداه! و جواب نشنود و استغاثه کند و کسی به دادش نرسد و همیشه پس از من غمگین و گرفتار و گریان است يك بار یادآور شود که وحی از خانه‌اش بریده و بار دیگر یاد جدائی من کند و شب که صدای مرا نشنود به هراس افتد صدایی که من با تلاوت قرآن تهجد می‌کردم و خود را خوار بیند پس از آن که در دوران پدر عزیز بوده در این جا خدای تعالی او را با فرشتگان مأنوس سازد و او را بدان چه به مریم دختر عمران گفتند ندا دهند و گویند: ای فاطمه! خدایت برگزید و پاك کرد و بر زنان جهانیان برگزید، ای فاطمه! قنوت کن بر پروردگارت و سجود و رکوع کن با راکعان. سپس بیماری او آغاز شود و خدا مریم دختر عمران را بفرستد او را پرستاری کند و در بیماری او انیس او باشد این جا است که گوید: پروردگارا! من از زندگی دلتنگ شدم و از اهل دنیا ملولم مرا

به پدرم رسان. خدای عزوجل او را به من رساند و اول کس از خاندانم باشد که به من رسد، محزون و گرفتار و غممنده و شهید بر من وارد شود و من در این جا بگویم: خدایا لعنت کن هر که به او ظلم کرده و کیفرده هر که حقش را غصب کرده، و خوار کن هر که خوارش کرده، و در دوزخ جاودان کن هر که به پهلویش زده تا سقط جنین کرده، و ملائکه آمین گویند. اما حسن که پسر من و فرزندم و پاره تنم و نور دیده‌ام و روشنی دلم و میوه قلبم هست و او سیّد جوانان اهل بهشت است و حجّت خداست بر امت، امرش امر من است، و قولش قول من، هر که پیرویش کند از من است و هر که نافرمانیش کند از من نیست، و چون او را دیدم به یاد آمد آنچه از اهانته پس از من بیند، و تا آن جا کشد که با زهرستم و عدوانش گُشند، در این جا فرشتگان هفت آسمان به مرگش بگریند و همه چیز تا پرنده هوا و ماهیان دریا براو گریند، چشم کسی که براو بگرید کور نباشد روزی که چشم‌ها کورند و هر که

بر او محزون شود روزی که دل‌ها همه محزونند دلش محزون نباشد، و هر که در بقیع او را زیارت کند قدمش بر صراط برجا ماند روزی که همه قدم‌ها بلغزند. و اما حسین از من است، و فرزند من است، و بهترین خلق است، پس از برادرش امام مسلمانان و سرور مؤمنان و خلیفه خداوند عالمیان است، و دادرش دادخواهان، و پناه امان‌جویان، و حجت خدا بر همه خلق، و او سیّد جوانان اهل بهشت است، و باب نجات است، امرش امر من است، و طاعتش طاعت من، هر که پیرویش کند از من است، و هر که نافرمانیش کند از من نیست، و چون دیدمش به یاد آمد که بعد از من، به او چه می‌شود، گویا می‌نگرم که به حرم و قرب من پناهنده شده، و او را پناه ندهند، در خواب به آغوشش گیرم، و بر سینه بچسبانمش، و به او دستور دهم از خانه هجرتم کوچ کند و او را به شهادت بشارت دهم، از آن‌جا کوچ کند به زمینی که قتلگاه او است زمین کرب و بلا و قتل و رنج، گروهی از مسلمانان

یاریش کنند که سروران شهدای امتند در روز قیامت، گویا او را می بینم که تیری خورده و از اسبش به خاک افتاده و چون گوسفند سرش را مظلومانه بریده اند- سپس رسول الله صلی الله علیه و آله گریست و کسانی که گردش بودند گریستند و صدای شیون آنها بلند شد و آن حضرت برخاست و می فرمود:- خدایا! به تو شکایت کنم آنچه را که برخاندانم پس از من برسد- سپس وارد منزلش شد. بشارة المصطفی: ص ۱۹۷- قال: حدّثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي قال: حدّثنا موسى بن عمران النّخعي، عن عمّه الحسين بن يزيد النوفليّ، عن الحسين بن عليّ بن أبي حمزة، عن أبيه، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس قال: إنّ رسول الله صلی الله علیه وآله قال: ... والفضائل، ابن شاذان: ص ۸-۱۱ عن ابن عباس قال: ... و مثيرالأحزان: ص ۲۲ و رویت إلى سعيد بن جبیر، عن ابن عباس قال: ... إرشادالقلوب: ج ۲ ص ۲۹۵ از الأمالي.

٣ - الدّرّ النظيم في مناقب الأئمة اللّهاميم: ص ٣٧٨ فصل في ذكر بعض حكم أمير المؤمنين عليه السّلام وخطبه ووصاياه و....

٤- سرّ السلسلة العلويّة: ص ٨٨-٨٩.

عمدة الطالب: ص ٣٥٦ - ٣٥٧ الفصل ٤: و قد روي أنّ أمير المؤمنين عليّاً عليه السّلام قال لأخيه عقيل و كان نسابة عالماً بأنساب العرب و أخبارهم: أنظر إليّ امرأة قد ولّدتها الفحولة من العرب لتزوّجها فتلد لي غلاماً فارساً. فقال له: تزوّج أمّ البنين الكلابيّة فإنّه ليس في العرب أشجع من آبائها. فتزوّجها.

٥ - الفصول الفخريّة، ابن عنبه: ص ٢.

٦ - أسرار الشّهادة: ص ٣٣٩- و قد سمعت من بعض من أثق به، أنّه نقل عن بعض المتتبعين في كتب المقاتل، أنّه قال: اذا صار يوم القيامة و اشتدّ الأمر على أهل المحشر، بعث رسول الله صلى الله عليه وآله أمير المؤمنين عليه السّلام إلى فاطمة عليها السّلام لتخصّر مقام الشّفاعّة، فيقول أمير المؤمنين

عليه السلام: يا فاطمة! ما عندك من أسباب الشفاعة؟ وما أذخرت لأجل هذا اليوم الذي فيه الفزع الأكبر؟ فتقول فاطمة عليها السلام: يا أمير المؤمنين! كفانا لأجل هذا المقام اليدين المقطوعتان من ابني العباس. وسيلة الدارين: ص ٢٧٥. معالي السبطين: ج ١ ص ٢٧٦.

٧- الإرشاد: ج ٢ ص ٩٠، روضة الواعظين: ج ١ ص ١٥٧، إعلام الوری: ص ٢٣٧ الفصل ٤، مثير الأحران: ص ٥٣، بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٣٩١ ب ٣٧، عوالم العلوم والمعارف: ج ١٧ ص ٢٤٢، الدمعة الساكنة: ج ٤ ص ٢٦٧، معالي السبطين: ج ١ ص ٣٣١. ودر كتب عامه:

تاريخ الأمم والملوك: ج ٥ ص ٤١٨، تجارب الأمم: ج ٢ ص ٤١٨، المنتظم: ج ٥ ص ٣٣٧، الكامل في التاريخ: ج ٣ ص ٢٨٤، نهاية الإرب: ج ٢٠ ص ٤٣٢.

٨ - مثير الأحران: ص ٢٨.

٩- عمدة الطالب: ص ٣٥٦- ٣٥٧ الفصل ٤- لما كان يوم الطّف قال شمر بن ذي الجوشن الكلبي (لعنه الله) للعبّاس وإخوته: أين بنو أختي؟ فلم يجيبوه. فقال الحسين عليه السلام لإخوته: أجيبوه وإن كان فاسقاً فإنّه بعص أحوالكم. فقالوا له: ما تريد؟ قال: أخرجوا إليّ فإنّكم آمنون ولا تقتلوا أنفسكم مع أخيكم. فسبّوه وقالوا له: قُبْحَت وَ قُبْحَت ما جئت به، أنترك سيّدنا وأخانا ونخرج إلى أمانك؟!.

١٠- الإرشاد: ج ٢ ص ٩١- قال عليّ بن الحسين زين العابدين: فَدَنَوْتُ مِنْهُ (أي الحسين عليه السلام) لِأَسْمَعَ مَا يَقُولُ لَهُمْ وَأَنَا إِذْ ذَاكَ مَرِيضٌ فَسَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: ائْثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ ... أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبَرِّ وَأَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا، أَلَا وَإِنِّي لَأَكُنُّ يَوْمًا لَنَا مِنْ هَؤُلَاءِ، أَلَا وَإِنِّي قَدْ أَذْنُتُ لَكُمْ، فَانْطَلِقُوا جَمِيعًا فِي حِلٍّ لَيْسَ عَلَيْكُمْ حَرَجٌ مِنِّي وَلَا ذِمَامٌ، هَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ

فَاتَّخِذُوهُ جَمَلًا. فَقَالَ لَهُ إِخْوَتُهُ وَأَبْنَاؤُهُ وَبَنُو أَخِيهِ وَابْنَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ: لَمْ نَفْعَلْ ذَلِكَ، لِنَبْقَى بَعْدَكَ؟! لَا أَرَانَا اللَّهَ ذَلِكَ أَبَدًا. بَدَأَهُمْ بِهَذَا الْقَوْلِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَاتَّبَعَتْهُ الْجَمَاعَةُ عَلَيْهِ فَتَكَلَّمُوا بِمِثْلِهِ وَنَحْوِهِ، ... وَتَكَلَّمَ جَمَاعَةٌ أَصْحَابِهِ بِكَلَامٍ يَشْبَهُ بَعْضُهُ بَعْضًا فِي وَجْهِ وَاحِدٍ، فَجَزَاهُمُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرًا وَانْصَرَفَ إِلَى مِصْرَ بِهِ. إِعْلَامُ الْوَرَى: ص ٢٣٧ الفصل ٤، بحار الأنوار ج ٤٤ ص ٣٩٢ ب ٣٧.

١١- شرح الأخبار: ج ٣ ص ١٩١-١٩٤.

١٢- الأمالي، الشَّيْخُ الصَّدُوقُ: ص ٤٦٢ المجلس ٧٠ ح ١٠- حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ الْهَمْدَانِيُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْقَيْطِينِيِّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ ابْنِ أَسْبَاطٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَّةٍ قَالَ: نَظَرَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَاسْتَعْبَرَهُ ثُمَّ قَالَ: مَا مِنْ يَوْمٍ أَشَدَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ يَوْمٍ

أُحْدٍ، قُتِلَ فِيهِ عَمُّهُ حَمْرَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَسَدُ اللَّهِ وَ أَسَدُ رَسُولِهِ، وَ بَعْدَهُ يَوْمَ مُؤْتَةَ، قُتِلَ فِيهِ ابْنُ عَمِّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ لَا يَوْمَ كَيَوْمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، اذْذَلَفَ عَلَيْهِ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ، كُلُّ يَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِدَمِهِ، وَ هُوَ بِاللَّهِ يُذَكِّرُهُمْ فَلَا يَتَّعِظُونَ، حَتَّى قَتَلُوهُ بَغْيًا وَ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ، فَلَقَدْ آثَرَوْا أَبْلَى وَ قَدَى أَخَاهُ بِنَفْسِهِ، حَتَّى قُطِعَتْ يَدَاهُ، فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِمَا جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ، كَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَ إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنَزِلَةً، يَغْبِطُهَا بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. وَ الْخِصَالُ: ج ١ ص ١٦٨ ح ١٠١. بحار الأنوار ج ٢٧٤ ب ٥ ح ٢١ وَ ج ٤٤ ص ٢٩٨ ح ٤. مانند آن در شرح الشافية: ص ٣٦٧.

١٣- سُرَّ السِّلْسِلَةُ الْعُلُويَّةُ: ص ٨٨ وَ ٨٩ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍو، عَمْدَةُ

الطَّالِبِ: ص ٣٥٦ الْفَصْلُ ٤، إِبْصَارُ الْعَيْنِ: ص ٣٠.

١٤- الْأَمَالِي، إِبْنُ بَابُوِيهِ الْقَمِّي: ص ١٢٩ الْمَجْلِسُ ٢٧ ح ٥ وَ

عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١ ص ٢٩٩ ب ٢٨ ح ٥٨ قال: حدّثنا محمد بن علي ماجيلويه رضي الله عنه قال: حدّثنا علي بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن الرّيان بن شبيب قال: دخلت على الرضا عليه السلام في أوّل يوم من المحرم فقال لي: يا ابن شبيب! ...، و إقبال الأعمال: ج ٣ ص ٢٩ الفصل ٢. بحار الأنوار: ج ٤٤ ص ٢٨٥ ب ٣٤ ح ٢٣ از العيون والأمالى.

١٥- شرح الأخبار في فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام: ج ٣ ص ١٩٣.

١٦- كامل الزيارات: ص ٢٥٦ ب ٨٥ ح ١ - شيخ الطائفة الحقّة والفقيه المقدم أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه القمي المتوفى ٣٦٧: حدّثني أبو عبد الرحمن محمد بن أحمد بن الحسين العسكري بالعسكر، عن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن علي بن مهزيار، عن محمد بن أبي عمير، عن محمد بن مروان، عن أبي حمزة الثمالي، عن الإمام الصادق عليه السلام:..
اين زيارت را با منابع زيرمقابله نموديم:

المزار، الشَّيخ المفيد: ص ١٢١-١٢٣- ثمَّ امشِ حتَّى تأتي مشهد العباس بن علي فاذا أتيت فقف على باب السَّقيفة و قل: سَلامُ اللهِ ... (مانند كامل الزَّيارات)، مصباح المتَّهِّد: ص ٦٦٨، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٥٤ ب ١٨ ح ١، المزار الكبير، ابن المشهدي: ص ٣٨٨، مصباح الزَّائر: ص ٢١٣، المزار، شيخ شهيد أول: ص ١٣١، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢١٧ ح ٣٣ و ص ٢٧٧ ب ٢٠ ح ١.

١٧- المزار، الشَّيخ المفيد: ص ١٢٣ ب ٥٥. تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٥٤ ب ١٨ ح ١: ثمَّ انحرف إلى عند الرَّأس فصلَّ ركعتين تطوَّعاً (أمام مسئلة حوائجك- ت) ثمَّ تصلِّي بعدهما بما بدا لك و ادع الله كثيراً، مصباح المتَّهِّد: ص ٦٦٨ مانند التهذيب.

ما اصل را روایت شیخ مفید قرار دادیم و با منابع زیر مقابله نمودیم: المزار الكبير: ص ٣٩٠ و مصباح الزَّائر: ص ٢١٤ و المزار الشَّهيد الأول: ص ١٣٣ و در آن است: ثمَّ انكبَّ على القبر و قل: اللَّهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ وَ لِيَزِيَارَةُ أَوْلِيائِكَ قَصَدْتُ، رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ وَ رَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَ جَزِيلِ إِحْسَانِكَ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي

بِهِمْ دَارًا، وَ عَيْشِي بِهِمْ قَارًا، وَ زِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً، وَ ذَنْبِي بِهِمْ
مَغْفُورًا، وَ أَقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي دُعَايَ بِأَفْضَلِ مَا
يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُوَارِهِ وَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ. ثُمَّ قَبَلَ الصَّرِيحَ وَانصَرَفَ إِلَى عِنْدِ الرَّأْسِ، فَصَلَّ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ
صَلَّ بَعْدَهُمَا مَا بَدَأَ لَكَ، وَ ادْعَ اللَّهَ كَثِيرًا، بِحَارِ الْأَنْوَانِ ج ٩٨ ص ٢١٧
ح ٣٣.

١٨- المزار الكبير: ص ٤٢٧ ب ١٦ ح ٣ زيارة سيّدنا أبي عبد الله الحسين
بن عليّ عليه السّلام، وهي زيارة صفوان عن الصادق عليه السّلام،
بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٥٧-٢٦١ ب ١٨ ح ٤١.

١٩- المزار الكبير، ابن المشهدي: ص ٤٨٥ - ٤٨٩ الزيارة ٨- أخبرني
الشّريف الجليل العالم أبو الفتح محمّد بن محمّد الجعفريّة أدام الله عزّه،
قال: أخبرني الشّيخ الفقيه عماد الدّين محمّد بن أبي القاسم
الطّبري، عن الشّيخ أبي عليّ الحسن بن محمّد الطّوسي. و أخبرني
عاليّاً الشّيخ الفقيه أبو عبد الله الحسين بن هبة الله بن رتبة رضي الله
عنه، قال: أخبرني شيخي المفيد الحسن بن محمّد الطّوسي، عن

الشيخ أبي جعفر محمد الطوسي، قال: حدثنا الشيخ أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عياش رحمه الله، حدثني الشيخ الصالح أبو ميسور بن عبد المنعم بن النعمان المعادي رحمه الله، قال: خرج من النباحية سنة اثنتين وخمسين ومائتين إلى على يد الشيخ محمد بن غالب الأصفهاني حين وفاة أبي رحمه الله، وكنت حدث السن، فكنت أستاذن في زيارة مولاي أبي عبد الله عليه السلام وزيارة الشهداء رضوان الله عليهم، فخرج إلي منه: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الشُّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، فَقِفْ عِنْدَ رِجْلِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ قَبْرُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا، فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ، فَإِنَّ هُنَاكَ حَوْمَةَ الشُّهَدَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأُمِّ وَأَشِيرَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَقُلْ: «...، السَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ، الْأَخِذِ لِعَدِهِ مِنْ أُمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ الْوَاقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ، الْمُقْطُوعَةَ يَدَاهُ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْهِ يَزِيدُ بْنُ الرُّقَادِ، وَحَكِيمُ بْنُ الطُّفَيْلِ الطَّائِي، الإقبال بالأعمال الحسنة: ج ٣ ص ٧٤ الفصل ١٤ - روينها بإسنادنا إلى

جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا
الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عِيَّاشٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي الشَّيْخُ
الصَّالِحُ أَبُو مَنْصُورِ بْنِ عَبْدِ الْمُنْعَمِ بْنِ التَّعْمَانِ الْبَغْدَادِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ
عَلَيْهِ، قَالَ: خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ عَلَى يَدِ
الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبِ الْأَصْفَهَانِيِّ حِينَ وَفَاةِ أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ، وَكُنْتُ
حَدِيثَ السَّنَةِ، وَكُتِبَتْ اسْتَأْذَنَ فِي زِيَارَةِ مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ وَزِيَارَةِ الشُّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، فَخَرَجَ إِلَيَّ مِنْهُ: بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الشُّهَدَاءِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَقِفْ عِنْدَ
رَجُلٍ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَبْرُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِ فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ فَإِنَّ هُنَاكَ حَوْمَةَ الشُّهَدَاءِ عَلَيْهِمْ
السَّلَامُ وَأَوْمِ وَأَشِرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَقُلْ: ...،
السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَاسِي أَخَاهُ
بِنَفْسِهِ، الْآخِذُ لِعَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ، الْوَاقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ
بِمَائِهِ، الْمُقْطُوعَةُ يَدَاهُ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَيْهِ يَزِيدُ بْنُ الرُّقَادِ الْحِمْيَرِيِّ وَحَكِيمَ
بْنِ الطُّفَيْلِ الطَّائِي، بحار الأنوار ج ٤٥ ص ٦٦ بقية الباب ٣٧ و

ج ٩٨ ص ٢٧٠ ب ١٩ ح ١ از إقبال الأعمال - ... السَّلامُ عَلَى أَبِي
الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْمُوَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ، الْآخِذِ لِعَدِهِ
مِنْ أَمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ، الْوَاقِي، السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائِهِ، الْمُقْطُوعَةِ يَدَاهُ،
لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ (قَاتِلَيْهِ) يَزِيدَ بْنَ الرُّقَادِ الْجُهَنِّيَّ، وَحَكِيمَ بْنَ الطُّفَيْلِ
الطَّائِيَّ، وعلامة مجلسي پس از نقل زیارت در جلد ٩٨ (١٠١)
صفحه ٢٧٤ می نویسد: بیان: هذه الزيارة أوردها المفيد و السيد في
مزاريهما وغيرهما بحذف الإسناد في زيارة عاشوراء، وكذا قال مؤلف
المزار الكبير: زيارة الشهداء رضوان الله عليهم في يوم عاشوراء:
أخبرني الشريف أبو الفتح محمد بن محمد الجعفري ... وذكر مثله
سواءً، وإمتا أوردناها في الزيارات المطلقة لعدم دلالة الخبر على
تخصيصه بوقت من الأوقات. و اعلم أن في تاريخ الخبر إشكالاً
لتقدمها على ولادة القائم عجل الله فرجه بأربع سنين، لعلها كانت
اثنين و ستين و مائتين، و يحتمل أن يكون خروجه عن أبي محمد
العسكري عليه السلام.

٢٠- المقنعة: ص ٤٦٩ ب ١٥: إذا أتيت مشهده (الإمام الحسين)

عليه السلام فاغتسل قبل أن تدخله، و البس أطهر ثيابك، و وقف على القبر، و استقبله بوجهك، و اجعل القبلة بين كتفيك، و قل: السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ... ثمَّ امض إلى قبر العباس بن أمير المؤمنين عليهما السلام فقف عليه و قل: السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أمير المؤمنين، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ وَ نَصَحْتَ وَ صَبَرْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللَّهُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ الْحَقَّهُمْ بِدَرْكِ الْجَحِيمِ. ثمَّ صلِّ في مشهده تطوعاً ما شئت و ادع الله كثيراً إن شاء الله. المزار، شيخ شهيد اول: ص ١٧٠ آن را در زیارت حضرت عليه السلام در شب قدر و عیدین ذکر کرده، مصباح الزائر: ص ٣٢٥ - ٣٢٧ شرح زیارة الإمام الحسين عليه السلام مختصة بليلة القدر و یزار بها فی العیدین، و در پاورقی محقق کتاب آمده است: شیخ مفید آن را در مزارش نقل کرده: ص ٧٤ (مخطوط)، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٥٠ ح ٢ از شیخ مفید و سیّد و شهید رضوان الله علیهم آورده است.

٢١- البلد الأمين: ص ٢٨٩ و المصباح، الشَّيْخُ الْكُفَعَمِيُّ: ص ٥٠١:

يستحبّ زيارة الحسين عليه السّلام في شهر ذي الحجة وفي ليلة عرفة
ويومها وفي ليلة الأضحى ويومه فتقول بعد الإغتسال واستخراج
الإذن إن كانت الزّيارة من قرب: الله أكبر كبيراً ... وتقول في زيارة
العبّاس عليه السّلام إذا أتيت مشهده:.

٢٢- المزار الكبير، ابن المشهدي: ص ٤٢٣ باب الإستيذان:

٢٣- المزار الكبير، ابن المشهدي: ص ٤٢٦ باب زيارة العبّاس بن عليّ
عليه السّلام، مصباح الزائر: ص ٣٢٩- إذا أردت زيارته عليه السّلام
في ليلة عيد الفطر أو في عيد الأضحى فقم عند باب القبلة وأمىء
بطرفك نحو القبر وقل مستأذناً: يا مَوْلَايَ يا أبا عَبْدِ اللهِ! ... ثمّ امض
إلى زيارة العبّاس بن عليّ فقف عليه وقل: بحار الأنوار: ج ٩٨
ص ٣٥٢ ب ٣٠ في ليلتي عيد الفطر و عيد الأضحى ح ١: قال المفيد و
السّيد و الشّهيد رضي الله عنهم: إذا أردت زيارته في اللَّيْلَتَيْنِ
المذكورتين فقف على باب القبة و ارم بطرفك نحو القبر مستأذناً فقل:
يا مَوْلَايَ يا أبا عَبْدِ اللهِ!

٢٤- المزار، الشّيخ المفيد: ص ٥٣ ب ٢٣ ح ١، تهذيب الأحكام: ج ٦

ص ٥٢ ب ١٦ ح ٣٧، مصباح المتهجد: ص ٧٨٧، إقبال الأعمال:
ص ٥٨٩، روضة الواعظين: ج ١ ص ١٩٥، مصباح الزائر: ص ٢٨٦.
وسائل الشيعة: ج ١٤ ص ٤٧٨ ب ٥٦ ح ١٩٦٤٣ از تهذيب الأحكام.
٢٥- مصباح الزائر: ص ٢٨٦-٢٨٨، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٣٢٩ ب ٢٥ ح
١.

٢٦- كامل الزيارات: ص ٢٥٨ ب ٨٦ ح ١ -: حدّثني أبو عبد الرحمن
محمد بن أحمد بن الحسين العسكري بالعسكري عن الحسن بن علي
بن مهزيار، عن أبيه علي بن مهزيار، عن محمد بن أبي عمير، عن
محمد بن مروان، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي عبد الله عليه السلام.
وما اين زیارت را با منابع زیر مقابله کرده ایم:

المزار، شيخ مفيد: ص ١٢٥ ب ٥٦، مصباح المتهجد: ص ٧٢٦، تهذيب
الأحكام: ج ٦ ص ٧٠ ب ٢١: و در آن نیست: اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ، المزار الكبير، ابن المشهدي: ص ٣٩٢، مصباح الزائر:
ص ٢١٥، المزار، شهيد أول: ص ١٣٤، بحار الأنوار: ج ٩٨ ص ٢٧٨ ح ٢.